

[مقدمه واجب 2](#_Toc28788099)

[واجب نفسی و غیری 2](#_Toc28788100)

[حل اشکال عبادیت طهارات ثلاث 2](#_Toc28788101)

[مرکز اشکال عبادیت طهارات ثلاث 2](#_Toc28788102)

[نتیجه نهایی بحث اشکال عبادیت طهارات ثلاث 3](#_Toc28788103)

[تذنیب دوم: لزوم قصد غایات در صورت عدم پذیرش امر استحبابی طهارات ثلاث 3](#_Toc28788104)

[وجه اول لزوم قصد غایات: نهفته بودن قصد غیر در مقدمات 4](#_Toc28788105)

[وجه دوم لزوم قصد غایات در طهارات ثلاث: حیتثیت تقییدیه داشتن مقدمه 4](#_Toc28788106)

[جواب از وجه دوم: حیثیت تعلیلیه داشتن عنوان مقدمه 4](#_Toc28788107)

[بیان دو نکته در کلام مرحوم آخوند 5](#_Toc28788108)

**موضوع**: تذنیبان /واجب نفسی و غیری /مقدمه واجب

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در مورد حل اشکال عبادیت طهارات ثلاث بود. مرحوم خویی فرمود: منشا عبادیت طهارات ثلاث یا امر نفسی است و یا تقصد توصل است. مرحوم اصفهانی فرمود: معنا ندارد که قصد توصل منشا عبادیت شود. مرحوم روحانی فرمود: قصد توصل منشا قربیت نیست. استاد ادعای مرحوم اصفهانی و مرحوم روحانی را قبول نفرمودند. استاد در نهایت ادعای مرحوم خویی را نپذیرفتند.

# مقدمه واجب

## واجب نفسی و غیری

### حل اشکال عبادیت طهارات ثلاث

بحث در مورد اشکال عبادیت طهارات ثلاث بود. گفته شد: قصد توصل، محقق عبادیت طهارات ثلاث است و موجب عبادیت نیست و کلام مرحوم خویی ناتمام است. اشکال ما بر کلام مرحوم خویی در محاضرات وارد است؛ اما در دراسات[[1]](#footnote-1) و مصباح[[2]](#footnote-2) مرحوم خویی فرموده است: موجب عبادیت امر نفسی است و قصد توصل محقق عبادیت است.

#### مرکز اشکال عبادیت طهارات ثلاث

به نظر ما عبادیت طهارات ثلاث مانند عبادیت نماز و روزه، مشکلی ندارد. نمی­دانم چرا به عبادیت طهارات ثلاث اشکال شده است و آن را بسط داده اند. قربی بودن طهارات ثلاث قبل از امر غیری است. شارع طهارات ثلاث را به صورت قربی مقدمه قرار داده است و ستر را مثلا به صورت قربی مقدمه قرار نداده است. این بحث ربطی به مقدمه واجب ندارد؛ لذا جای توهم این مطلب نیست که امر غیری طهارات ثلاث را عبادی کرده است، در حالی که امر غیری چنین اقتضایی ندارد.

بله؛ در مورد محققِ عبادی بودنِ امر غیری، اشکال مجال دارد. اگر کسی امر غیری را قصد کرد بحث می­شود که مقربیت دارد یا نه؟ زیرا امر غیری نمی­تواند محقق قربی بودن باشد. مرحوم آخوند این بحث را در تذنیب دوم حل کرده است.

کیفیت قربی شدن طهارات ثلاث بحث دارد؛ ولی ربطی به مقدمه واجب ندارد. شارع مقدس طهارات ثلاث را به نحو قربی مقدمه قرار داده است. حال، ممکن است امر استحبابی یا امر نفسیِ ذی المقدمه( طبق تقریب مرحوم شیخ و تقریب مرحوم نائینی) موجب قربی شدن باشد.

به نظر ما قربی شدن طهارات ثلاث به امر نفسی و امر به ذی المقدمه نیست. قبل از این که امر نفسی به طهارات ثلاث یا به ذی المقدمه آنها تعلق بگیرد، قربی بوه­ادند. طهارات ثلاث مانند نماز یک مرکب اختراعی است که به هدف تقرب به خداوند اختراع شده­اند. در مورد نماز هم آیه و روایتی نداریم که به قصد قربت اتیان کنید. از اول، نماز برای اظهار بندگی اختراع شده است. در حقیقتِ این اعمال، عبادی بودن نهفته است، نه این که با امر شارع عبادی شده باشند. اختراع آنها برای ابراز بندگی و اظهار عبودیت در مقابل خداوند بوده است.

فرق بین وضو و غسل که یک اختراعی تعبدی هستند با ستر این است که ستر یک امر عرفی است و ذاتش عبادیت را نمی­طلبد؛ اما در ذات نماز و وضو و غسل عبادیت نهفته است. لذا مطلبی که مرحوم خویی در دراسات فرموده است، صحیح است و صیاغت بیان ما با مرحوم خویی مختلف است.

مراد از ذات، ذاتِ منطقی نیست؛ بلکه مراد حقیقت اعمال است، مثلا خواندن حمد و رکوع و سجود ..... حقیقتشان قربی هستند. معنای تعلق امر قربی نیز این است که امر قربی به چیزی تعلق گرفته است که ذاتش اظهار بندگی است.

البته این بیان با جعلی بودن قصد قربت تنافی ندارد. یعنی یک عملی که ذاتش ابراز بندگی نیست، شارع می­تواند قصد قربت جعل کند؛ اما ما می­گوییم اعمالی که اظهار بندگی خداست، قربی بودن در حقیقتشان نهفته است. الله اکبر گفتن و رو به قبله ایستادن و حمد و گفتن.... ابراز بندگی است.

#### نتیجه نهایی بحث اشکال عبادیت طهارات ثلاث

اصل این بحث که قربیت این عبادات از امر غیری نشات نگرفته است، واضح است. امر غیری بعد از قربی شدن آنها تعلق پیدا کرده است. حال مهم نیست که منشا قربیت امر نفسی باشد یا امری است که به ذی المقدمه تعلق گرفته است یا طبق مختار ما خود این اعمال ابراز بندگی است.

##### تذنیب دوم: لزوم قصد غایات در صورت عدم پذیرش امر استحبابی طهارات ثلاث

مرحوم آخوند فرموده است[[3]](#footnote-3): اگر امر استحباب موجب عبادیت طهارات ثلاث شده باشد، قصد غایت لازم نیست. مکلف می­تواند وضو را به خاطر محبوبیت خداوند امتثال کند و هیچ غایتی را قصد نکند. اگر استحباب نفسی مورد قبول واقع نشد(در ذهن مرحوم آخوند این مطلب بوده است که مصحح قربیت امر غیری است زیرا دو قسم بیشتر مطرح نکرده است) قصد غایت لازم است. دو بیان برای لزوم قصد غایت مطرح شده است.

#### وجه اول لزوم قصد غایات: نهفته بودن قصد غیر در مقدمات

مرحوم آخوند فرموده است: در فرضی که استحباب نفسی مورد قبول واقع نشود، با امر غیری طهارات ثلاث عبادی می­شوند؛ یعنی طهارات ثلاث به داعی امر غیری اتیان شود. از طرفی امتثال امر غیری فقط در جایی است که قصد غیر بشود. مثلا اگر مولا گفت: نصب سلم شود، وقتی امتثال امر غیری است که قصد صعود علی السطح وجود داشته باشد. اگر این گونه نباشد اصلا امتثال معنا ندارد. در امر غیری وقتی امتثال رخ می­دهد که قصد غایت وجود داشته باشد. این مطلب خصیصه امر غیری است.

پس قصد توصل است که طهارات ثلاث را قربی می­کند؛ زیرا از یک طرف معنای امتثال مقدمه، قصد توصل به ذی المقدمه است و از طرفی دیگر ذی المقدمه مطلوب مولا است؛ لذا وقتی مقدمه به خاطر ذی المقدمه امتثال می­شود و فرض این است که ذی المقدمه مطلوب مولا است؛ پس قصد توصل موجب قربیت می­شود و ریشه قربی شدن نیز امر مولا است؛ پس قصد غایت است که در حقیقت طهارات ثلاث را قربی کرده است هر چند که امر غیری در کار نباشد.

#### وجه دوم لزوم قصد غایات در طهارات ثلاث: حیتثیت تقییدیه داشتن مقدمه

بعضی فرمودند: امر غیری به عنوان مقدمه تعلق گرفته است؛ یعنی نصب سلمی که مقدمه است، امر غیری دارد. برای این که امتثال مقدمه بما هی مقدمه امتثال شود، باید قصد توصل به ذی المقدمه بشود؛ زیرا اگر قصد توصل به ذی المقدمه نشود، عمل مکلف، مقدمه نیست. اگر نصب سلم بشود و قصد صعود نداشته باشد، متعلق امر غیری اتیان نشده است؛ زیرا متعلق امر غیری ذات نصب سلم نیست؛ بلکه زمانی متعلق امر غیری است که قصد صعود شود؛ پس این که امر غیری مصحح قصد قربت است همین قصد توصل به ذی المقدمه است.

##### جواب از وجه دوم: حیثیت تعلیلیه داشتن عنوان مقدمه

مرحوم آخوند فرموده است: این که قصد توصل لازم است برای این است که امتثال امر غیری، به قصد توصل است و یا این که قربی بودن با قصد توصل محقق می­شود؛ اما دلیل قصد توصل، تحقق عنوان مقدمه نیست؛ زیرا مقدمیت، حیثیت تعلیلیه است. قصد توصل لازم است؛ اما برای تحقق مقدمیت نیست؛ بلکه برای امتثال متعلق امر غیری است. در حقیقت امر، به ذات نصب سلم تعلق دارد نه عنوان مقدمه. از درون عنوان مقدمه نمی­توان قربیت را نتیجه گرفت. متعلق امر غیری ذات نصب سلم است و قصد توصل نیز یا به خاطر این است که امتثال امر غیری به وسیله قصد توصل است و یا به خاطر این است که بدون قصد توصل عبادی نمی­شود.

تمام بحث این است که بنا بر انکار استحباب نفسی، چرا باید قصد غایت بشود؟ شیخ می­فرماید: به خاطر عنوان مقدمیت و مرحوم آخوند می­فرماید: یا به خاطر معنای امر غیری است و یا به خاطر این است که با قصد توصل مقربیت محقق می­شود.

###### بیان دو نکته در کلام مرحوم آخوند

ادعای مرحوم آخوند متین است؛ اما مرحوم آخوند عبادیت طهارات ثلاث را دائر بین امر استحبابی و امر غیری می­داند، در حالی که مصحح عبادیت، ممکن است غیر از امر غیری و استحبابی باشد.

مطلب دیگری که جای تامل دارد این است که مرحوم آخوند می­فرماید: امتثال امر غیری فقط به قصد توصل معنا دارد. این ادعا جای مناقشه دارد. ما فعل را که به قصد امتثال امرش انجام می­دهیم، باید ببینم که امر به چه چیزی تعلق گرفته است. مثلا اگر وجوب بر ذات نصب سلم مترتب شده باشد(چه موصله باشد و چه نباشد) امتثال امر به نصب سلم، معنایش این نیست که فقط به قصد توصل باید امتثال شود. به چه بیانی امتثال امر مقدمه باید از این راه باشد که به قصد توصل وجود داشته باشد؟ تلازم بین قصد توصل و امتثال امر غیری

مرحوم خویی می­فرماید: هر چند که در امر غیری قصد توصل وجود نداشته باشد؛ اما امتثال وجود داد و ثواب هم دارد.

به نظر ما ادعای مرحوم آخوند به واقع نزدیکتر است. حقیقت امتثال امر غیری این است که مکلف مثلا نصب سلم بکند و قصد صعود بر سطح را دارد. کسی که مقدمه را اتیان می­کند و قصد امتثال ذی المقدمه را ندارد، مولا حق دارد بگوید: من چنین دستوری ندادم؛ پس کشف می­شود که برای تحقق امتثال در امر غیری نیاز به قصد توصل وجود دارد.

1. [دراسات فی علم الاصول، الهاشمی الشاهرودی، السید علی، ج1، ص324.](http://lib.eshia.ir/13071/1/324/حصول) [↑](#footnote-ref-1)
2. مصباح الاصول (مکتبة الداوری) ج 1 ص 498 [↑](#footnote-ref-2)
3. [کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج1، ص112.](http://lib.eshia.ir/27004/1/112/الثانی) [↑](#footnote-ref-3)